

رساله تداییر شاه و وزیر

در احوالات آقامحمدخان قاجار

و

وزیر او حاجی ابراهیم کلانتر اعتمادالدوله

تألیف زین العابدین کوهمره‌ای ملقب به «امیر» (?)

تصحیح مهین دخت حاجیان پور (همبلی)

مرکز نشر دانشگاهی، تهران



رساله تدابیر شاه و وزیر
در احوالات آقا محمدخان قاجار و وزیر او حاجی ابراهیم کلانتر اعتمادالدوله
تألیف زین العابدین کوهمره‌ای ملقب به «امیر» (؟)
تصحیح مهین دخت حاجیان‌پور (همبلی)
ویراسته آذر میدخت جلیل‌نیا، محمدرسول دریاکشت
طراح جلد: معصومه انوری
حروفچین: حبیبه دیماری
ناظر چاپ: حمیدرضا دمیرچی‌لو
مرکز نشر دانشگاهی، تهران
چاپ اول ۱۳۸۴
تعداد ۲۰۰۰
لیتوگرافی: مردمک
چاپ و صحافی: معراج
حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاهی محفوظ است
فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کوهمره‌ای، زین‌العابدین، قرن ۱۳ ق.
رساله تدابیر شاه و وزیر: در احوالات آقا محمدخان قاجار و وزیر او حاجی
ابراهیم کلانتر اعتمادالدوله / تألیف زین‌العابدین کوهمره‌ای؛ تصحیح مهین دخت
حاجیان‌پور (همبلی). — تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴.
شش، ۹۸ ص. — (مرکز نشر دانشگاهی؛ ۱۱۷۶. تاریخ: ۳۸)

ISBN 964-01-1176-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۹۰-۹۲.

نمایه.

۱. آغامحمدقاجار، شاه ایران، ۱۲۱۱-۱۱۵۵ ق. ۲. کلانتر، محمد ابراهیم بن
هاتم، ۱۱۵۸-۱۲۱۵ ق. ۳. ایران — تاریخ — قاجاریان، ۱۳۴۴-۱۱۹۳ ق. ۴. ایران
— شاهان و فرمانروایان. الف. حاجیان‌پور (همبلی)، مهین، مصحح. ب. مرکز نشر
دانشگاهی. ج. عنوان.

DSR ۱۳۳۳/ک۹

۹۵۵/۰۷۴۲۰۹۲

۸۳-۲۵۴۸۲

کتابخانه ملی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

صفحه	عنوان
پنج	پیشگفتار
۱	مقدمه
۱	سبب تألیف رساله تدابیر شاه و وزیر
۴	نویسنده رساله
۷	خصوصیات نسخه خطی و اهمیت آن
۸	متن رساله
۱۵	متن رساله تدابیر شاه و وزیر شامل دو فقره: ...
۱۶	رساله تدابیر شاه و وزیر
	فقره اول
۱۹	در بیان مجملی از خصایص حالات آقا محمدخان قاجار ...
۱۹	بیان تدبیرات آقا محمدخان
۳۱	بیان انصاف و مروت آقا محمدخان
۳۵	بیان پرورش آقا محمدخان سپاه را
۳۷	بیان لشکرآرایی آقا محمدخان
۳۸	بیان زرومال دوست داشتن آقا محمدخان
۴۳	بیان بزرگ منشی و بلندی طبع آقا محمدخان
۴۶	بیان زود حکم خود را جاری خواستن آقا محمدخان

۴۷	بیان سبب خواجه بودن آقا محمدخان
۴۹	بیان شدت سیاست آقا محمدخان
۵۰	بیان شدت دشمنی آقا محمدخان
۵۱	بیان اقسام نمق و سیاستهای آقا محمدخان
۵۳	بیان عبادت و خداشناسی آقا محمدخان
۵۴	بیان انجام حال و کشته شدن آقا محمدخان
	فقره دوم
۵۶	در بیان بعضی از حالات و تدابیر حاجی ابراهیم خان...
۷۶	وزارت حاجی ابراهیم که اول سال یک هزار و دویست و ده هجری بوده (۱۲۱۰)
۸۷	بیان کشته شدن حاجی ابراهیم، بعد از آنکه ده سال و نیم بزرگی کرده بود...
۹۰	منابع
۹۳	نمایه ها
۹۴	نمایه کسان
۹۸	نمایه جایها

پیشگفتار

در دهه‌های گذشته که در مدرسه علوم شرقیه (School of Oriental and African Studies) درس می‌خواندم در کتابخانه انجمن سلطنتی آسیایی در لندن یک نسخه خطی فارسی با عنوان رساله تدابیر شاه و وزیر توجهم را به خود جلب کرد.

این رساله در احوال و اخلاق آغامحمدخان قاجار و وزیر او حاج ابراهیم کلانتر بود. از آنجا که در آن روزها مطالعه و تحقیق درباره قاجاریه در مراحل ابتدایی بود و به خصوص کمتر منبع دست اول درباره این برهه از تاریخ قاجار وجود داشت، به مطالعه و بررسی این نسخه خطی علاقه‌مند شدم. پس از مطالعه چند صفحه دریافتم که رساله تدابیر شاه و وزیر از منابع دست اول سر جان ملکم است که بنابر تقاضا و خواهش شخصی او توسط فردی مطلع که زمان وقایع را درک کرده بود نوشته شده است. ملکم در تاریخ ایران - که در آن زمانها مشغول نوشتن آن بود - در بخش مربوط به قاجار از این رساله بهره فراوان برده است. ملکم به عللی که در مقدمه توضیح آن آمده است در هیچ جا از این شخص نام نمی‌برد.

ملکم پس از چاپ و انتشار تاریخ ایران در سال ۱۸۱۵ میلادی این نسخه خطی را همراه با دیگر کاغذها و اسناد خصوصی خود در سال ۱۸۲۴ میلادی به کتابخانه سلطنتی آسیایی در لندن اهدا کرده است.

اکنون پس از گذشت سالیان دراز، با توجه و عنایت مرکز نشر دانشگاهی چاپ و انتشار رساله تدابیر تحقیق می‌پذیرد.

در اینجا لازم می‌دانم مراتب امتنان و تشکر خود را خدمت جناب آقای دکتر
نصرالله پورجوادی که با نظر صائب خود انتشار این “رساله” را سودمند دانستند
تقدیم دارم. و نیز زحمات کارکنان محترم بخش چاپ و ویرایش مرکز نشر
دانشگاهی را سپاس فراوان دارم.

امید است این خدمت ناچیز که برای بحث و تحقیق تقدیم سلیمان محضر
تاریخ‌نویسان و دانش‌پژوهان می‌گردد شرف قبول یابد.

مهرین دخت حاجیان پور (قنبری)

مقدمه

سبب تألیف رساله تدابیر شاه و وزیر

اولین تاریخ جامع ایران به زبان انگلیسی، تألیف سِر جان ملکم، در سال ۱۸۱۵ م در انگلستان منتشر شد.^۱ جان ملکم (۱۷۶۹-۱۸۳۳) اصلاً اسکاتلندی بود و در اوان جوانی پس از استخدام در کمپانی هند شرقی به هندوستان رفت.

ملکم سالیان درازی در آن کشور عهده‌دار مسئولیتهای سیاسی، نظامی و تجاری بود و با نشان دادن لیاقت خیلی زود توانست در خدمت این کمپانی به کسب درجات عالی نایل آید. در آن دوران فرهنگ ایرانی در سراسر هند گسترده بود و چون زبان فارسی زبان رسمی دربار گورکانیان به شمار می‌رفت، ملکم با اشتیاق به آموختن تاریخ و فرهنگ و زبان کشورهای شرقی پرداخت و علاوه بر زبان هندی، زبان فارسی را هم به خوبی فراگرفت.

جان ملکم در دوران پادشاهی فتحعلی‌شاه چندین بار با عنوان سفیر کمپانی هند شرقی و دولت بریتانیا به ایران سفر کرد و به نمایندگی از طرف آن کمپانی و دولت

1. Malcolm, Sir John, *The History of Persia from the Most Early Period to the Present*, 2 vols., London, 1815.

همه ارجاعها به تاریخ ملکم به همین چاپ است. تاریخ ملکم را در سال ۱۳۰۳ هجری قمری میرزا اسماعیل حیرت به فارسی برگرداند و چاپ کرد. در سال ۱۳۶۲ دنیای کتاب آن را با نام *تاریخ ایران* چاپ افست کرد. از این کتاب چاپهای متعدد در دست است.

انگلستان اولین قرارداد ایران و انگلیس را در چهارمین سال پادشاهی فتحعلی شاه در سال ۱۸۰۰ م / ۱۲۱۵ ق به امضا رسانید^۲، ملکم دو بار دیگر در سالهای ۱۸۰۷ و ۱۸۱۰ م به ایران سفر کرد.

پس از این سفرها بود که ملکم تصمیم گرفت تاریخ ایران را به رشته تحریر درآورد. ملکم برای تألیف این کتاب علاوه بر سفرنامه‌ها و تاریخهای مدون موجود، اطلاعات شفاهی نیز از درباریان و آشنایان کسب می‌کرد؛ چنانکه از دوستی هندی به نام جعفرعلی خان که سالها ساکن شیراز بوده و با ملکم مکاتبه و مراوده داشته است نام می‌برد.^۳ همچنان در مقدمه کتاب از منابع مختلفی که در اختیار داشته است سخن می‌گوید. یکی از این منابع ذیل تاریخ زندیه از عبدالکریم علیرضا شیرازی است که به کرات از آن یاد می‌کند.^۴ در همان مقدمه می‌نویسد:

... در مواقع مختلف خاطرات ارزنده‌ای از چندین نفر به دستم رسیده است که حاوی اطلاعات تاریخی و روایات ذی قیمتی است. این افراد هنوز مقیم ایران هستند و دارای موقعیتهای حساس سیاسی می‌باشند. هر جا که من از اطلاعات آنها در نوشتن این کتاب استفاده کرده‌ام، منبع آن اطلاعات را نسخه خطی فارسی نوشته‌ام.^۵

از جمله در جلد دوم کتاب خود (ص ۱۷۵) می‌نویسد:

زیرکی فوق‌العاده آقامحمدخان بسیار مورد توجه آن حاکم [کریم خان زند] واقع شده بود. این طور به ما گفته‌اند که حاکم اغلب در امور کشوری با او [آقامحمدخان] مشورت می‌کرد.

سپس ملکم اشاره می‌کند که این مطلب از "نسخه خطی خاطرات" یاد شده است. در همان مجلد (ص ۱۸۲) در مورد کدورت فایین لطفعلی خان و حاجی ابراهیم باز یادآور

2. Sykes, Sir Percy, *A History of Persia*, 2 vols., London, 1958, vol. II, p. 301.

۳. ملکم، تاریخ ایران، ج اول، ص XIII.

۴. تاریخ گیتی‌گشا از میرزا محمدصادق نامی. ذیل آن در تاریخ زندیه از عبدالکریم بن علی رضا الشریف شیرازی است. با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی اقبال، ۱۳۱۷.

۵. ملکم، همان، ج اول، ص XIII.

می‌شود که این مطلب را هم از نسخه خطی تاریخ حاجی ابراهیم بازگو کرده است. ملکم به کزات از "تاریخ حاجی ابراهیم" و "نسخه خطی فارسی" سخن می‌گوید. تقریباً در تمام موارد عین مطالب ضبط‌شده در تاریخ ملکم در نسخه خطی مورد بحث ما موجود است. اگر ملکم جز این رساله تدابیر نسخه خطی دیگری در اختیار می‌داشت، احتمالاً آن را هم همراه این نسخه به کتابخانه اهدا می‌کرد. در کتابخانه انجمن سلطنتی آسیایی در لندن^۶ یک نسخه خطی فارسی به شماره RAS-CLY1-M137 موجود است که در سال ۱۸۲۴ م از طرف سر جان ملکم به این کتابخانه اهدا شده است. در معرفی این نسخه نوشته شده است رساله تدابیر شاه و وزیر یا ترجمه آن به زبان انگلیسی، و به دنبال آن "اهداده از طرف ملکم" و سپس تاریخ ۱۸۲۴. در ستون مقابل مشخصه‌های کتابنامه‌ای آن ضبط شده است.^۷ تا آنجا که اطلاع داریم تنها مرجعی که از این "رساله" نام می‌برد مقاله مورلی^۸ در مجله انجمن آسیایی (ژوئیه ۱۸۹۲، ص ۵۲۶) است. این مقاله فهرستی از نسخه‌های خطی تاریخی فارسی و عربی موجود در کتابخانه انجمن آسیایی است. در این مقاله مورلی رساله تدابیر را زیر شماره ۱۵۵ معرفی می‌کند: رساله تدابیر دارای ۱۳۶ صفحه دوسطونی روی کاغذ فرنگی با خط نستعلیق خوانای متداول در هند^۹ نوشته شده است.^{۱۰} هر ستون یازده، نه و گاه هشت سطر دارد و دارای چند حاشیه معدود در صفحه‌های ۲/۲، ۱/۳۳، ۲/۳۳، ۱/۳۴، ۲/۳۴، ۱/۳۵، ۲/۳۵، ۱/۳۶، ۱/۶۰، ۲/۱۳۲ و ۲/۱۳۳ است. اما عنوان مطالب که بسیار هم متعدد است در حاشیه‌ها دیده می‌شود. شماره‌گذاری در گوشه بالایی چپ هر برگ به خط لاتین

6. The Library of the Royal Asiatic Society, London

۷. یک نسخه عکسی از این متن خطی اساس کار من بوده است که پس از این با عنوان رساله تدابیر از آن نام برده خواهد شد.

8. Morley, William H., *A Descriptive Catalogue of the Historical Manuscripts in the Arabic and Persian Languages, etc.*, London, 1854, pp. 139-142.

۹. با تشکر از دوست دانشمندم خانم فرشته کوثر، معلم زبان فارسی در دانشگاه ییل، امریکا، برای یادآوری این نکته.

۱۰. به این ترتیب می‌توان گفت رساله تدابیر دارای ۲۷۲ صفحه است.

است و پس از دویزگ مقدمه، شماره‌گذاری شروع می‌شود. این شماره‌گذاری کاملاً دقیق نیست و برای سهولت کار شماره‌گذاری جدیدی ترتیب داده شد که در گوشه بالایی راست هر برگ است.^{۱۱} از رساله تدابیر تنها همین یک نسخه متعلق به جان ملکم موجود است که در کتابخانه سلطنتی آسیایی در لندن نگهداری می‌شود.

نویسنده رساله

نویسنده این نسخه خطی که ملکم مکرر از آن نام می‌برد کیست؟ رساله تدابیر بدون تاریخ، بدون نام نویسنده و ناسخ است، نویسنده در طول رساله همه جا خود را "راقم اخبار" می‌نامد و ابیات پراکنده‌ای هم در ضمن متن آمده است که آن را به "لراقمه" نسبت می‌دهد. وی در هیچ موردی نام خود را ذکر نکرده است، فقط در جایی (ص ۳۱/۱) گوید که اهل کوهمره است.^{۱۲} در صفحه ۷۰/۱ گوید: در جلسه‌ای که بین حاجی ابراهیم و حاجی علیقلی خان کازرونی تشکیل شد او هم شرکت داشته است. در ص ۶۳/۲ اشاره می‌کند که این رساله مختصر بنابر خواهش ملکم نوشته شده است و اگر او را فرصتی دست دهد تاریخ ایران را کامل در کتابی به نام جبل السیر خواهد نوشت.^{۱۳} در هیچ مورد دیگری اشاره‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به نام و یا اصل و نسب و مقام خود نکرده است.

"راقم اخبار" علت نوشتن رساله تدابیر را این طور نقل می‌کند: "کرنل [کذا] جان ملکم بهادر" تاریخی به زبان فارسی ساده می‌خواسته است و با وجود اینکه تا آن زمان تاریخهای متعدد درباره قاجار وجود داشته، مع ذلک انجام چنین مهمی را از او تقاضا می‌کند. راقم اخبار در مقدمه رساله تدابیر می‌نویسد:

۱۱. چون در شماره‌گذاری اصلی در طرف چپ بالای هر صفحه، بعضی صفحه‌ها از قلم افتاده است، دوباره شماره ردیفی در طرف راست گذاشته شد (حتمً ارجاعات به همین شماره صفحه‌هاست). از صفحه ۶۳ به بعد شماره‌گذاری چپ و راست یکسان می‌شود. نیز برای سهولت مراجعه هر برگ به دو بخش ۱ و ۲ نامیده شده است. برای مثال ۱/۱۶، ۲/۱۶، ۳/۱ و ۳/۲.

۱۲. "... چنانچه اشخاصی چند از ملک راقم اخبار که کوهمره است ..."

۱۳. تا آنجا که پژوهش نشان می‌دهد تاریخی با این نام بر جای نمانده، شاید "راقم اخبار" بعداً از نوشتن متصرف شده یا فرصت آن را نیافته است.

... تاریخ قاجاریه نیز متعدد و موجود است، ولیکن چون عاری از دقایق افعال آنها [آغامحمدخان و حاجی ابراهیم] است و از حاجی ابراهیم خان شیرازی و کار پردازیهای او به هیچ گونه بجز نام او مذکوری نیست و اطلاع بر جزئیات حالات و افعال دقیقه آنها خالی از نفع و تکلفی نبود، بنابراین کرنل صاحب [کذا] معظم الیه نظر به نکته شناسی و دقیقه فهمی خود تحریر و ضبط آنها را امر و خواهش فرمود... و این رساله عجالة که موصوم [کذا] است به تدابیر شاه و وزیر و مشتمل است بر دو فقره...

بنابراین گفتار روشن است که این نسخه تنها برای شخص ملکم بوده است. این کوهمره‌ای کیست؟ میرزا حسن حسینی فسایی در تاریخ مفصل خود فارسنامه ناصری^{۱۴} از دو تیره کوهمره‌ای نام می‌برد: رئیس قاسم خان متعلق به یک دسته که علیه زندیه جنگید^{۱۵} و از دوستان و یاران حاجی ابراهیم بود که بعد از گرفتاری حاجی ابراهیم او هم دستگیر شد و به قتل رسید. و از سلسله دیگر گوید: "... مانند احمد شاه خان و فضل الله خان ... اسدالله خان ولد نصرالله خان از حکومت منسلخ گشته و اکنون از خط و ربط و انشاء معیشتی دارد. چند سال است که از آن خاندان بیرون رفته است" (فسایی، ج ۲، ص ۱۴۹۹).

تنها شخصی از کوهمره که اطلاعات تاریخی داشته و از او خبری در دست هست زین العابدین کوهمره ملقب به "امیر" است که صاحب ذیل مجمل التواریخ است.^{۱۶} زین العابدین کوهمره در این ذیل گوید که چون مطالب مجمل التواریخ را درباره تاریخ زندیه ناصحیح و مخدوش می‌بیند، بر صاحب آن ابوالحسن بن محمد

۱۴. فسایی، حاج میرزا حسن حسینی فسایی: فارسنامه ناصری، ۲ جلد، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷ ج ۲، ص ۱۴۹۹.

۱۵. رئیس قاسم از یاران حاجی ابراهیم بود (۸۸/۱). سپاهی که حاجی ابراهیم برای مقابله با لطفعلی خان روانه کرد یکی از بزرگان کوهمره را همراه داشت. ابن عبدالکریم شیرازی در ذیل تاریخ گیتی‌گشا گوید که این کوهمره‌ای قاسم خان بود (ص ۸۷). همین رئیس قاسم است که بعد از گرفتاری حاجی ابراهیم گرفتار می‌شود و سپس به قتل می‌رسد (خوردند، زندگی سیاسی حاجی ابراهیم خان کلانتر، ص ۳۱۸).

۱۶. گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین، مجمل التواریخ، به سعی محمدتقی مدرس تهران ۱۳۶۵. ذیل مجمل التواریخ، ص ۲۹۲-۲۸۲ از "امیر" رضوی، است.

گلستانه خرده می‌گیرد و ذیلی بر کتاب او می‌نویسد تا اشتباهات تاریخی گلستانه را تصحیح کند (تاریخ زندیه، ص ۲۸۳). نثر این ذیل هم ساده و روان است و بعضی اصطلاحات مشابه هم در این ذیل و هم در رساله تدابیر آمده است و به واقعه‌ای هم نظیر نیز در هر دو کتاب اشاره رفته است. از جمله وقتی پس از قتل جعفرخان، پدر لطفعلی خان، حاج ابراهیم مصمم شد که تاج و تخت را به لطفعلی خان واگذار کند، برای جلوگیری از تمهیدات مخالفان جلسه‌ای تشکیل داد و این واقعه هم در "رساله" و هم در "ذیل" ذکر شده است. راقم اخبار در رساله تدابیر گوید: "... [حاجی ابراهیم] پیغام داد که فردا صبح دیرتر به دربار تشریف برند [اشاره به حاجی علیقلی خان کازرونی است] که ماها آمده به ملاقات برسیم... غرض در آن روز که این معرکه برپا شد 'راقم اخبار' از حضار آن محفل بود" (ص ۷۰/۱). زین‌العابدین کوهمره در ذیل مجمل‌التواریخ می‌نویسد (ص ۲۹۲) "... روز قبل از دخول لطفعلی خان به دارالملک شیراز تمام اعیان و سرداران فارس به اتفاق حاجی ابراهیم خان شیرازی مذکور به خانه او [کازرونی] آمده ... چنانچه 'محرر اوراق' نیز یکی از حضار بود." از این دو اشاره چنین برمی‌آید که محتملاً "محرر اوراق" و "راقم اخبار" هر دو باید یک شخص باشد. از طرفی دیگر "راقم اخبار" چندین لغت و اصطلاح فارسی را که به نظرش نامأنوس آمده است با برابر هندی آن ذکر کرده است^{۱۷} که می‌رساند زبان هندی می‌دانسته است. همچنین از فحوای کلام "امیر" در ذیل مجمل‌التواریخ آنجا که درباره گلستانه صحبت می‌کند این طور برمی‌آید که خود نیز ساکن هند بوده است.^{۱۸} بنابراین با ظن نزدیک به یقین می‌توان گفت که نویسنده رساله تدابیر احتمالاً همان "امیر" باشد که ذیل مجمل‌التواریخ را نوشته است. "امیر" که در دربار زندیه بوده است در زمان حمله قاجار به شیراز آن شهر را ترک گفت و به هندوستان گریخت و ذیل را در حدود سال ۱۲۰۳ ق نوشته

۱۷. لشکرنویس = بخشی؛ گلیم بزرگ = سطرنجی

۱۸. در ذیل مجمع‌التواریخ، ص ۲۸۳ می‌نویسد: "در آغاز استقامت دولت وکیل‌الدوله کریم خان زند به هندوستان آمده..." لفظ "آمده" چنین می‌رساند که خود "امیر" بایستی در آن زمان ساکن هند بوده باشد. مدرس رضوی در مقدمه مجمل‌التواریخ (ص ح) می‌نویسد: گلستانه از مخالفین کریم خان بود و به هند فرار کرد.

است.^{۱۹} از مطالب مذکور در رساله نیز چنین بر می‌آید که ملکم پس از سفر پایانی خود به ایران و پس از قتل حاجی ابراهیم (۱۸۰۲ م / ۱۲۱۶ ق) تقاضای نوشتن رساله تدابیر را داده باشد، زیرا که واقعه قتل حاجی ابراهیم هم در رساله آمده است.^{۲۰} از آنجا که تاریخ ملکم در سال ۱۸۱۵ م منتشر شد، بنابراین رساله تدابیر باید در فاصله زمانی ۱۸۰۲ تا ۱۸۱۵ م نوشته شده باشد.

خصوصیات نسخه خطی و اهمیت آن

اهمیت رساله تدابیر در سادگی و روانی سبک و پرهیز از استعمال کلمه‌های سنگین و نعت و ستایشهای غیرضروری است که در تاریخهای فرمایشی این دوره دیده می‌شود. از اصطلاحات پیچیده و دور از ذهن تاریخهای هم‌عصر خودداری می‌کند و سبکی بی‌تکلف با لحن محاوره‌ای به کار می‌برد و تنها در دو سه مورد از کلماتی آرایشی و ادبی استفاده کرده است. تشبیهات مکرر و استعاره در آن یافت نمی‌شود. گزارشها دقیق و یکدست و همسان است. جمله‌ها با ربطی ساده به هم متصل می‌شوند و لغتهای عربی در آن نسبتاً کم به کار رفته است. اگر لغتی مشکل و اصطلاحی دور از ذهن به کار می‌برد آن را توضیح می‌دهد و گاه برابر هندی لغتها را می‌آورد.^{۲۱} برای مثال (ص ۴۷/۲) درباره لفظ آغا و آقا توضیح می‌دهد و علت اینکه آقا را به جای آغا به کار برده است تشریح می‌کند. (ص ۴۸/۲) "از آن رود عبور می‌نمود یعنی از آن آب می‌گذشت."؛ (ص ۴۹/۲) "ابقا نمی‌نمود یعنی زنده نمی‌گذاشت."؛ (ص ۶۷/۲) "رخت حیات بر بسته بر تخته ممات نشست یعنی وفات یافت."؛ (ص ۵۱/۲) "شدید العداوة بود یعنی دشمنی با هر کس داشت."؛ (ص ۹۴/۱) "کلام الملوک، ملوک الکلام یعنی سخن پادشاهان پادشاه سخنان است." و از این قبیل. نویسنده ظاهراً بر خود لازم می‌دانسته که مطالب را هر چه بیشتر برای ملکم سهل و ساده بنویسد و درک آنها را آسان تر کند. با این همه بعضی اصطلاحهای دور از ذهن فارسی‌زبانان در آن دیده می‌شود که شاید تأثیر زبان هندی و آشنایی

۱۹. همان، ص ۳۰۰. ۲۰. نگاه کنید به رساله تدابیر، ص ۱۳۲/۱.

۲۱. به پانویس ۱۷ نگاه کنید.

نویسنده با زبان فارسی رایج در هند بوده است.^{۲۲} بعضی غلطهای املائی هم در متن دیده می‌شود. مثل موصوم به جای موسوم؛ کرنل (غلط مصطلح) به جای کلنل؛ برخاسته و برخاستن همه جا برخواسته و برخواستن آمده است. های غیر ملفوظ را همه جا در جمع حذف می‌کند مثل خانه - خانها و اندیشه - اندیشها و ... همه جا که به جای گ آمده است و به جای لراقم، لراقمه آورده است.^{۲۳}

”راقم اخبار“ بایستی علاوه بر ذهنیات خود از تاریخهای مدون آن دوره هم بهره گرفته باشد. چه به تاریخ نامی (ص ۵/۱) و تاریخ محمدیه (ص ۶۳/۱) اشاره می‌کند.^{۲۴} در چند مورد هم اطلاعات شفاهی را که از دیگران کسب کرده به مطالب خود افزوده است. از جمله درباره قتل و کشتار حاجی ابراهیم و خانواده‌اش مطالبی را از سیر اوزلی (در متن نسخه فزلی)، که همراه ملکم به ایران آمده بود، نقل قول می‌کند (ص ۱۲۸/۲ و ۱).

متن رساله

رساله مختصر تدابیر شاه و وزیر به دو فقره تقسیم می‌شود. فقره اول (ص ۶۳-۱) در بیان احوال آغا محمدخان و فقره دوم کمی طولانی‌تر (ص ۱۳۶-۶۴) در احوال حاجی ابراهیم کلانتر. در هر دو فقره منظور نویسنده بیان و تشریح روحیه و خصوصیات اخلاقی افراد مورد نظر است و مسائل تاریخی را به تاریخهای مدون رجوع می‌دهد. اگر واقعه‌ای تاریخی را بیان می‌کند صرفاً برای نتیجه‌گیری از رفتار و عادات افراد مورد بحث است.

راقم اخبار در این رساله در درجه اول به خلق و خوی کریم‌خان و لطفعلی‌خان زند و آغا محمدخان قاجار و حاجی ابراهیم کلانتر می‌پردازد. از رجال دیگر این دوره نیز نام می‌برد و شخصیت آنها را توصیف می‌کند. حاجی ابراهیم را که پدرش هاشم

۲۲. ”کسی به طرف او نبیند“ ۵۴/۲؛ «به طرف صورت او بسیار می‌دید» ۵۸/۱.

۲۳. کریم‌خان زند را در چند مورد محمدکریم آورده است. و در صفحه ۱۲۸/۱ که اشاره به کاپتان سرگور اوزلی (Sir Gore Ouseley) دارد او را کپتن فزلی می‌نویسد. یا مارکیز لرد مادتن ولزلی را مارکوئیس لارد مادتن ولزلی می‌آورد.

۲۴. راقم اخبار فقط از این دو کتاب نام می‌برد، ولی می‌گوید تاریخهای مدون دیگری هم بوده است.

کدخدای حیدریخانه شیراز بود سرپرست خاندان هاشمیه شیراز معرفی می‌کند، ولی از یهودی‌الاصل بودن او ذکری به میان نمی‌آورد.^{۲۵} زیرا که حاجی ابراهیم وزیر اعظم دربار آغامحمدخان از چنان قدرت و نفوذی برخوردار بود که کسی را یارای سخن‌پراکنی درباره‌اش نبود. با این همه در نهان هم هیچ کس خیانت او را به لطفعلی‌خان از یاد نبرده بود که چگونه دروازه‌های شیراز را به روی لطفعلی‌خان بست و در عوض آغامحمدخان را به شیراز دعوت کرد.^{۲۶}

“راقم اخبار” لطفعلی‌خان و شجاعت بی‌نظیر او را می‌ستاید و در عین حال او را ناپخته و بی‌تجربه می‌داند (ص ۱۹/۲). خصوصیات مزورانه و مال‌دوستی آغامحمدخان را گاه با استهزا بیان می‌کند و در عین حال از سادگی او و بی‌اعتنائیش به تجمل نیز سخن می‌گوید. در بیان خلق و خوی آغامحمدخان و حاجی ابراهیم وزیر او جانب اعتدال را می‌گیرد و از ابراز تندیهایی که نویسندگان مخالف نسبت به آنان نشان می‌دهند خودداری می‌کند.

“راقم اخبار” به طور خاص به شرح نفوذ زنان در امور درباری نمی‌پردازد؛ اما شرح ماجرای اختلاف مابین لطفعلی‌خان و حاجی ابراهیم را، که بالاخره منجر به نابودی خاندان زندیه شد، می‌توان نمونه‌ای از این نفوذ دانست (ص ۷۵). با این سؤال که آیا اگر لطفعلی‌خان به اصرار و فرمان مادر بی‌اعتنا می‌ماند و قول خود را به حاجی ابراهیم پاس می‌داشت و میرزاهمدی لشکرنویس را به انتقام بریدن گوشها از سر بی‌تن پدر به دست مرگ نمی‌سپرد، سرنوشت او صورتی دیگر نمی‌داشت؟ چه “راقم اخبار” منشأ بازگشت حاجی ابراهیم را از لطفعلی‌خان و آغاز دشمنی با او را، در ظاهر، همین پیمان‌شکنی بیان می‌کند (ص ۷۶/۲ و ۲۷). مورد دیگر اشاره به این

۲۵. افشاری، پرویز، صدر اعظم‌های سلسله قاجاریه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۶ (ص ۴): “خانواده هاشمیه در اصل از کلیمهای مسلمان‌شده قزوین بوده.” تاریخ گیتی‌گشا (ص ۳۳۹): “حاج ابراهیم شیرازی ولد حاجی هاشم یهودی‌الاصل جدیدالاسلام...”

۲۶. نگاه کنید ص ۱۱۷/۱: اشاره میرزاشفیع به این موضوع که در واقع حاجی ابراهیم قصد تصرف شیراز و برانداختن حکومت زندیه را داشت با آرزوی آنکه خود حکومت را در دست گیرد. اما زیرکی آغامحمدخان نقشه او را بر هم زد.

۲۷. تاج‌السلطنه با مقدمه عباس امانت (به زبان انگلیسی) ص ۲۸ و ۳۳ و ۷۴.

واقعه است (۱۳/۲) که چون جعفرقلی خان، برادر شجاع و متهور آغامحمدخان، را در مازندران داعیه سلطنت به سر افتاد و از اجرای فرمانهای برادر خودداری کرد، آغامحمدخان که مستأصل و هراسان شده بود، بالاخره مادر "پادشاه جمجاه حال" [فتحعلی شاه] را که مهد علیای حرمش بود به عنوان "فرستاده" (شاید اولین سفیر زن) نزد او می فرستد. قدرت و نفوذ کلام این زن جعفرقلی خان را به پایتخت می کشاند. آغامحمدخان با حيله و تزویر مخصوص خود برادر را به آغوش مرگ رهسپار می کند (ص ۱۶/۱). این نفوذ و قدرت زنانه در سیاستهای درباری همچنان ادامه می یابد و به خصوص در زمان ناصرالدین شاه با تحریکهای زنان حرم (از جمله "مهد علیا" مادر ناصرالدین شاه) سرهای چه بزرگانی که بر باد می رود.

ملکم تاریخ ایران را با مرگ آغامحمدخان قاجار پایان می دهد. با اینکه تاریخ چاپ کتاب سال ۱۸۱۵ م برابر با هفدهمین سال سلطنت فتحعلی شاه بوده است، ملکم سیاستمدانه ترجیح می دهد درباره پادشاهی که بر اریکه سلطنت است و روابط خوبی هم با دولت بریتانیا و به خصوص با شخص او دارد سخنی نگوید.

تاریخ ملکم پس از انتشار توسط میرزا اسماعیل حیرت منشی و مترجم سرهنری بارتل ادوارد فریر فرمانروای کل هندوستان به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۸۸۶ م توسط میرزا علی شیرازی در هندوستان به چاپ رسید.^{۲۸} از همان زمان، با تجدید چاپهای متعدد، به عنوان یکی از منابع تراز اول مورد استفاده تاریخ نویسان دوره های افشاریه تا قاجاریه بوده است.

تا آنجا که می دانیم رساله تدابیر تنها منبع خطی ملکم بوده است که در مجموع اخلاق و روحیه بنیانگذار سلسله قاجار و وزیر "تاج بخش" او را گزارش می کند. از آنجا که "زاقم اخبار" این دوره را درک کرده و در بعضی از پیشامدها خود حضور داشته است، این رساله مختصر به عنوان یکی از منابع دست اول این دوره از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۲۸. نگاه کنید به دیباچه تاریخ ایران، تألیف سرجان ملکم، کتابفروشی سعدی، تهران.

ویدستین
رساله تدبیر شاه وزیر

میست تمام است خصوصاً حسب دولت و ملائمت
حیث این نقاد و فغان غفلت و نشان نمودن
بود و منیع احسان رکن رکن دولت عقیقه گیتی
عالمین کریم حساب محکم ستم امکانی کریم
جستار علم بهادر که توار و رسیدان فهم و قدرت
کوی فطنت و کیاست از بختان رلوده نژاد
در کان اسد و است ذوی العز و بلا قبل مقبول
القول و محمود الانفال و یقین بر ارباب ادراک
محکم تدبیر اندیش میسر کردن و در خط الحکمت
اختیار و تدبیر شریف بیانی یافتند که از ارباب عشق عبدا است

چشم حکمت نشان طبقه عقیقه انکسیرت که
بدین یافت حقایق حلاست لاطین و وزیران
در خط الحکمت توارخ و سیر احوال گذشت زمان
و خصائص الطوار و افعال پاوشان و نواد و در پیر
و اعمال و وزیر و اراکان دولت از این در این زمان

پایدار نمائده و بر سر بزرگ و کوچک بسیار است
افشاده چنانچه خواجیه فقط شرازی فرموده
از انقلاب زمانه عجب مدار که صرخ
ازین نیست نه هزاران هزار دارد

صفحه آخر رساله تدابیر شاه و وزیر